

چکیده:

زمینه و هدف: شعر مهدویت و اندیشه انتظار، همواره از مضامین موردنظر شاعران فارسی‌زبان بوده است. در شعر انتظار، شاعران بر پایه اعتقاد به منجی آخرالزمان و با توجه به حکومت‌های زمانه خود، به موضوع مهدویت پرداخته‌اند. بدیهی است مضامین و برداشتهای آنها در دوره‌های مختلف، تفاوت‌هایی دارد و تغییر و تحول مضامین در این نوع از شعر دینی، بویژه در قرن اخیر، قابل توجه است. در این پژوهش ضمن بررسی محتوای شعر انتظار در سه دوره پهلوی اول، پهلوی دوم و انقلاب اسلامی، به عوامل تأثیرگذار در تغییرات محتوایی این شاخه مهم شعر دینی نیز پرداخته شده است.

روش مطالعه: این پژوهش به روش تحلیل محتوا و با استفاده از شیوه کتابخانه‌ای در گردآوری اطلاعات انجام شده است.

یافته‌ها: در دوره پهلوی اول، شاعران براساس سبک و سیاق گذشته، به اشتیاق برای دیدار موعود و نیز بر پایه روایات به موضوع ظهور میپردازند و هیچ نوع هدف و جهتگیری خاصی را تبلیغ نمی‌کردند. در دوره پهلوی دوم با توجه به آزادیهای سیاسی و اجتماعی بیشتر و بتبع آن گسترش شعر دینی و نیز نابسامانیهای سیاسی و اجتماعی، شاعران موضوع انتظار را با مسائل روز پیوند زدند و نوعی امید به آینده را خلق کردند. در شعر انتظار انقلاب که آخرین دوره موردبررسی در این پژوهش است با ظهور رویکردهای جدیدی در این نوع شعر مواجه هستیم و شاعر با پیوند زدن انتظار با مسائل سیاسی و اجتماعی جامعه، به جهتگیری و ذکر وظایف منتظران میپردازد. **نتیجه‌گیری:** میل به تغییرات شعر انتظار از دهه چهل و همزمان با ظهور گفتمان مقاومت و مبارزه و نیز رواج نواندیشیهای دینی، آغاز و بعد از انقلاب اسلامی به اوج خود رسیده است.

تاریخ دریافت: ۲۵ خرداد ۱۴۰۱
تاریخ داوری: ۲۸ تیر ۱۴۰۱
تاریخ اصلاح: ۱۲ مرداد ۱۴۰۱
تاریخ پذیرش: ۲۷ شهریور ۱۴۰۱

کلمات کلیدی:

شعر انتظار، شعر مهدویت، قرن معاصر، شعر انقلاب، موعود.

* نویسنده مسئول:

Roozbeh.m@lu.ac.ir

۳۳۱۲۰۰۲ (+۹۸ ۶۶)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Examining the evolution of the content of the poetry of waiting in the contemporary century

M. Saadati, M.R. Rozbeh*, S. Moradkhani, A. Noori

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Khorramabad, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 15 June 2022

Reviewed: 19 July 2022

Revised: 03 August 2022

Accepted: 18 September 2022

KEYWORDS

The poetry of expectation, the poetry of mahdaviat, contemporary century, Revolution poetry, promised

*Corresponding Author

✉ Roozbeh.m@lu.ac.ir

☎ (+98 66) 33120002

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Mahdavi poetry and the thought of expectation have always been among the themes of Persian poets. In the poem of expectation, the poets have addressed the subject of Mahdism based on their belief in the savior of the end of time and considering the governments of their time. Obviously, there are differences in their themes and interpretations in different periods, and the change and transformation of themes in this type of religious poetry, especially in the last century, is remarkable. In this research, while examining the content of the poetry of waiting in the three periods of the first Pahlavi, the second Pahlavi and the Islamic Revolution, the influential factors in the content changes of this important branch of religious poetry have also been discussed.

METHODOLOGY: This research was done by content analysis method and using the library method in collecting information.

FINDINGS: In the first Pahlavi period, poets based on the style and trend of the past, expressed their desire for the promised meeting and also on the basis of traditions, and did not promote any specific goal or direction. In the second Pahlavi period, due to more political and social freedoms and the expansion of religious poetry as well as political and social disturbances, poets connected the theme of waiting with the issues of the day and created a kind of hope for the future. In the poetry of waiting for the revolution, which is the last period examined in this research, we are faced with the emergence of new approaches in this type of poetry, and the poet, by linking waiting with political and social issues of society, addresses the orientation and mentions the duties of those waiting.

CONCLUSION: The desire for changes in the poetry of expectation has reached its peak since the 1940s, simultaneously with the emergence of the discourse of resistance and struggle, as well as the spread of new religious ideas, at the beginning and after the Islamic Revolution.

DOI: [10.22034/bahareadab.2023.16.6887](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2023.16.6887)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 29	 0	 0

مقدمه

مسئله انتظار منجی و ظهور موعود از مسائل مهم در دوره‌های مختلف تاریخ بوده و این مسئله در شعر فارسی هر دوره نیز، بازتاب متفاوتی داشته است. انتظار در فرهنگ اسلامی یعنی ایمان استوار بر امامت و ولایت حضرت مهدی (عج) و آغاز حکومت صالحان. در بین مسلمانان نیز مسئله مهدویت با وجود اختلافاتی در نگرش، عمومیت دارد، چنانچه در قرآن کریم نیز به اصل موضوع، اشاره شده است: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء: ۱۰۵) که در اینجا عباد صالح براساس روایت، قائم و اصحاب او هستند. انتظار در لغت به معنای «چشمداشت و چشم به راه بودن» است (فرهنگ لغت معین: ذیل واژه). معنای اصطلاحی انتظار «چشم به راه بودن ظهور واپسین ذخیره الهی و آماده شدن برای نصرت او در تشکیل حکومت عدل و قسط در عصر ظهور است» (موسوی اصفهانی، ۱۳۸۳: ج ۲، ص ۲۳۵). انتظار و باور به منجی منحصر به مذهب تشیع نیست، بلکه سایر ادیان و مذاهب آسمانی با تفاوتی، به ظهور مصلح آخر زمانی اعتقاد دارند. بنابراین شعر انتظار که در دوره معاصر نسبت به ادوار پیشین نقش فعالتری را بر عهده گرفته است، میکوشد نگاه متفاوتی به این گونه از شعر دینی داشته باشد.

بررسی و مقایسه شعر انتظار در دوره‌های سه‌گانه پهلوی اول، پهلوی دوم و انقلاب اسلامی از نظر اندیشه، شیوه‌های بیان و بسامد واژه‌های خاص و چگونگی برخورد با موضوعات مشترک، برای نمایان شدن محتوا و نوع نگاه و نیز چرایی و چگونگی تغییر و تحولات و فاصله گرفتن از فضای ایستا و تکراری در دوره‌های موردبررسی، ضرورتی است که در این پژوهش با بررسی اشعار نوزده شاعر از دوره‌های پهلوی اول، پهلوی دوم و انقلاب اسلامی، تلاش شد در قالب پرسشهای زیر به آنها پاسخ داده شود:

تحول و حرکت شعر انتظار از حالتی ایستا و تکراری به حالتی پویا تحت تأثیر چه عواملی بوده است؟
اشتراکات و تمایزات محتوایی شعر انتظار قرن معاصر چیست؟
گمان میرود که:

از آنجا که جهتگیری و موضع حکومتها و فرهنگ جوامع بر آثار ادبی ملتها تأثیرگذار است، در بررسی شعر انتظار سه دوره پهلوی اول، پهلوی دوم و انقلاب اسلامی که ایدئولوژیهای متفاوتی بر آنها حاکم بوده است، اشعار انتظار این سه دوره نیز ویژگیهای مخصوص به خود را داشته باشند.

و از آنجا که تغییر و تحولات ادبی بتدریج رخ میدهد و نیز بعضی مضامین در بیشتر دوره‌ها تکراری است، در این سه دوره موردبررسی، برخی مضامین مشترک وجود داشته باشد.

شاعران مورد بررسی عبارتند از: غروی اصفهانی (کمپانی)، محمدتقی بهار، صغیر اصفهانی، ریاضی یزدی، قاسم رسا، خوشدل تهرانی، جلال‌الدین همایی، امیری فیروزکوهی، طاهره صفارزاده، سپیده کاشانی، محمدجواد محبت، موسوی گرمارودی، حسن حسینی، نصرالله مردانی، سلمان هراتی، علیرضا قزوه، انصاری‌نژاد، قیصر امین‌پور و میرشکاک.

سابقه پژوهش

پیرامون شعر انتظار، پژوهشهای بسیاری انجام شده است که از آن جمله میتوان به موارد ذیل اشاره کرد: «آموزه انتظار و زمینه‌سازی ظهور»، از صمدی (۱۳۸۸) که در آن به برخی از وظایف منتظران اشاره کرده است. «بررسی

مضامین اشعار انتظار در شعر بعد از انقلاب اسلامی» بصیری و دیگران (۱۳۹۶)؛ «بررسی تطبیقی انتظار و هویت فرهنگی و تمدنی در شعر معاصر عربی و فارسی» از خسروی و بابایی (۱۳۹۴) و
با وجود اینکه پژوهشهای گسترده‌ای پیرامون شعر انتظار معاصر صورت گرفته، درزمینه سیر تحول محتوایی شعر فارسی انتظار در سه دوره پهلوی اول، پهلوی دوم و انقلاب اسلامی پژوهش مستقلی انجام نشده است.

روش مطالعه

این مقاله براساس روش تحلیل محتوا و با استفاده از شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای انجام شده است. محدوده مورد بررسی، شعر انتظار دوره پهلوی اول، پهلوی دوم و انقلاب اسلامی است که براساس شعر نوزده شاعر انجام شده است. برای تحلیل محتوای شعر انتظار این سه دوره، ابتدا عمده مضامین هر دوره را مشخص کرده و سپس به تحلیل اشعار هر دوره پرداخته و تغییر و تحولات و اشتراکات و تمایزات هر دوره را مشخص کرده‌ایم.

بحث و بررسی

شعر انتظار در دوره پهلوی اول

هرچند رضاشاه بعد از به قدرت رسیدن، چهره‌ای دینی از خود نشان داد و با گروه‌های دینی سازش و مدارا کرد، بمحض تثبیت پایه‌های حکومتش، آشکارا با مناسک دینی به مخالفت برخاست و در تضعیف دین و دینداری کوشید. رضاشاه با به تعطیلی کشاندن مراسمات و اعیاد دینی و همچنین کشف حجاب و ایجاد فضای خفقانی در جامعه، در پی ایجاد جامعه‌ای سکولار و غیردینی برآمد. بدیهی است که در چنین شرایطی شعر و شاعران دینی در تنگنا قرار میگیرند؛ بنابراین در شعر انتظار این دوره، همانند دوره‌های پیش از این، به مدح امام عصر (ع)، دلتنگی از دوری وی، اشتیاق دیدار و استغاثه برای ظهور پرداخته شده است و محتوا و نگاه تازه‌ای در این دوره به شعر انتظار افزوده نشد.

تحلیل و بررسی مضامین شعر انتظار

مدح ظواهر و استغاثه برای ظهور بدون ذکر هدفی خاص: شاعر به مدح معشوق‌گونه صفات جسمانی و ظاهری امام (عج) میپردازد و آرزوی دیدن قد و قامت و رخسار وی را دارد، بدون اینکه هدف والایی برای درخواست خود ذکر کند. در ابیات ذیل، شاعر تنها به زیباییهای ظاهری میپردازد و اشعار از هر گونه مفاهیم ارزشی تهی است:

ای قمر تابناک برج امامت وی گهر آبدار درج کرامت
ای به قد و قامت تو شور قیامت خیز و برافراز یک ره آن قد و قامت
خیز و بر افروز یک ره آن رخ رخشان

(دیوان بهار: ص ۱۵۶)

ای ماه من ای نور رخت غیرت مهتاب ابروت هلالی است که بر بوده ز مه تاب

(مصیبت‌نامه، صغیر اصفهانی: ص ۱۲۴)

صورتی نمایان شد از سرادق معنی طلعتی بسی زیبا قامتی بسی رعنا

(دیوان کمپانی: ص ۱۹۴)

اغراق و غلو در مدح، نگاه ازلی و ذکر مقام معنوی امام عصر (عج): شاعر این دوره در مدح، به اغراق و غلو تمایل دارد و همچنین نگاه وی نیز نگاهی ازلی و واپسگرایانه است. در اشعار ذیل، شاعر با اشاره به عقل نخستین و صادر اول بودن امام (عج) و دلیل خلقت دانستن وی، به اغراق در مدح با نگاه ازلی و با اشاره به صفات هادی و مهدی و ولی خدا و... به ذکر مقام معنوی وی پرداخته است:

عقل نخستین بزرگ صادر اول کالبد مستنیر و جان ممثل
راه بدی را یکی فروخته مشعل هادی و مهدی سمی احمد مرسل
حجت غائب ولی ایزد منان

(دیوان بهار: ص ۱۵۶)

در شعر زیر شاعر با یکی دانستن امام (عج) با خداوند، به غلو در مدح پرداخته است:

غیر تو ای کنز مخفی احدیت کیست که پیدا کند کنوز هویت
از تو عیان است جلوه صمدیت هیچ تو را با خدای نیست دوئیت
ذات تو با ذات هوست یکسر و یکسان

(همان: ص ۱۵۷)

شاعر در خدا یا بنده بودن امام (عج) تشکیک کرده است و با تلمیح به داستان حضرت موسی (ع)، حضرت عیسی (ع) و حضرت ابراهیم (ع)، او را با نگاهی ازلی معرفی کرده است:

گر خوانمش خدا بود این صحبتی فضیح و دانمش جدا بود این فکرتی قبیح
او رهنمای موسی و او رهبر مسیح او غمگسار یونس و او ملجأ ذبیح
«بردا» گهر فشاند چو در صحبت فصیح بهر خلیل گشت گل و لاله آذرا

(مصیبت‌نامه، صغیر اصفهانی: ص ۱۲۳)

آن که نسخه ذاتش، دفتر کمالات است مصحف کمالاتش، محکمت آیات است
اولین مقاماتش منتهی المقامات است طور و نور میقاتش پرتوی از آن ذات است
جلوه دل آرایش جان گرفت و جانان داد

(دیوان کمپانی: ص ۱۹۵)

شاعر با نگاهی اغراق‌آمیز، امام (عج) را علت خلقت جهان میداند:

شیرازه کتاب وجود آسمان جود جودش به آسمان و زمین علت وجود
بر آسمان رفعت او عرش در سجود بر او ملک نزول کند وز درش صعود
شاهی که چون قدم زند از غیب در شهود
عالم شود به نور جمالش منورا

(مصیبت‌نامه، صغیر اصفهانی: ص ۱۲۳)

نگاه ازلی به معصومین (ع) برگرفته از احادیث بسیاری است که در روایات شیعه نقل شده است. امام باقر (ع) میفرماید: «اولین مخلوق، حقیقت محمدی (ص) و معصومین (ع) است» (بحارالانوار، ج ۶۱: ص ۱۴۲) و شاعران نیز به مدح آنان براساس این احادیث پرداخته‌اند. همچنین شاعر با نگاهی اغراق‌آمیز حب و بغض امام عصر (عج) را تنها دلیل سعادت و شقاوت اخروی میداند:

تا جهان بوده‌ست این نور، جهان‌آرا بود او سلیمان بُد و او عیسی و او موسی بود آسمان بود و زمین بود و بشر بود و ملک	بود از آن روز که نی آدم و نی حوا بود نوح و یونس را او هم‌ره در دریا بود نور او گه به زمین بود عیان، گه به فلک (دیوان بهار: ص ۱۵۴)
ذی جود وجودش سبب خلقت آدم مبدأ حقیقت را اوست اولین مشتق	مقصود سجودش ز ملک سجده بر آدم (مصیبت‌نامه، صغیر اصفهانی: ص ۱۲۵) خطّه طریقت را اوست هادی مطلق (دیوان کمپانی: ص ۱۹۵)
شاعر با نگاه اغراق‌آمیز به امام زمان (عج)، هفت دوزخ و هشت جنت را در برابر غضب و باغ او ناچیز شمرده و با انحصار، او را تنها علت ایجاد هستی میدانند و از این نیز پا را فراتر گذاشته و با جوهر هستی دانستن وی، به غلّو درباره‌ او و ترک ادب شرعی پرداخته است:	
هفت دوزخ ز لہیب غضبش یک لہب است نه فلک را شرف از درگه او مکتسب است او خدا را همه از خلقت گیتی غرض است	هشت جنت ز ریاض کمرش یک خشب است خلقت ذاتش ایجاد جهان را سبب است ذات او جوهر و باقی همه گیتی عرض است (دیوان بهار: ص ۱۵۳)
نه تنها خلقت او علت ایجاد آدم شد	که باعث بر وجود وحش و طیر و مور و مار آمد (مصیبت‌نامه، صغیر اصفهانی: ص ۱۳۱)
شاعر دوره پهلوی اول، پای را از دایره اغراق فراتر نهاده و با الوهیت بخشیدن به امام عصر (عج) به غلّو گراییده است. در اشعار ذیل شاعر با نسبت دادن صفات الهی به امام زمان (عج) وی را در مقام الوهیت و ربوبیت قرار داده است:	
قاعده‌پرداز کارگاه الهی جاهش برتر ز حد لایتناهی عقل به قرب کمال و جاهش حیران	راز جهان را دلش، خیر کماهی فکر به کنه جلال و قدرش واهی (دیوان بهار: ص ۱۵۶)
باران به حکم تو بارد به هر دمن طوطی به وصف تو گردد شکرشکن در طرف گلستان یا صاحب‌الزمان	ریحان ز امر تو روید به هر چمن مرغان به عشق تو باشند نغمه‌زن (مصیبت‌نامه، صغیر اصفهانی: ص ۱۳۴)
مالک کن فیکون و ملک کون و مکان کلک لطفش زده بر لوح عدم نقش وجود هم فلک را حرکت از حرکات نفسش پرده از سرّ انا الله برانداز دمی	مظهر سلطنت قاهره ذی المنن است... دست قهرش شرر خرمن دهر کهن است هم زمین را ز طمأنینه نفسش سکن است... تا بدانند که شایسته این ما و من است (دیوان کمپانی: ص ۱۹۷)

شاعر با نگاهی منفعلانه و غلو در مدح، امام (عج) را فرمان‌ده قضا و قدر معرفی میکند و در ادامه وی را از خطور خیال به ساختش میرا میداند:

چيست با فرمان تو کلک قضا، لوح قدر	هر دو در دیوان تو خدمتگذار و ترجمان...
فیض سبحانی و آن لاهوت ربّانی قرین	امر کاف و نون و آن عزم همایون توأمان
	(همان: ص ۲۰۴)
ای به طلعت صورتی بیرون ز مرآت خیال	وی به رفعت سرّ معنایی ناید در گمان...
شاه اقلیم ولایت مالک کون مکان	خسرو ملک هدایت صاحب عصر و زمان
	(همان: ص ۲۰۴)

شاعر در مدح میلاد امام عصر (عج) به غلو میگراید و احدیت و لم یلد بودن و ایجاد جهان را که از صفات بارز الهی هستند، به وی نسبت میدهد:

از فلک کون تافت اختر تجرید	نفس احد سر زد از هیولی توحید
لم یلد امروز یافت کسوت تولید	آنکه بدو زنده گشت هر سه موالید
وان که بدو تازه گشت چار آخشیجان	

(دیوان بهار: ص ۱۵۶)

زمین از حکم آن شاه ملک چاکر بود برجا	فلک از امر آن سرو معلق استوار آمد
نبودی لطفش ار داخل نگشتی فیضش ار	نه خار از خاک پیدا شد نه گل بیرون ز خار آمد
شامل	(مصیبت‌نامه، صغیر اصفهانی: ص ۱۳۱)

توسل و مددخواهی و ابراز ارادت و خاکساری به امام عصر (عج): توسل به بزرگان دین براساس آیه «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّا رُءُوسَهُمْ وَ رَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَ هُمْ مُسْتَكْبِرُونَ» (المنافقون: ۵) مجوز شرعی دارد؛ بنابراین ابراز ارادت و خاکساری به امام (عج) نیز همانند توسل به دیگر بزرگان دینی در شعر این دوره مرسوم است و شاعر از او مدد می‌خواهد. در ابیات ذیل، شاعر این دوره با توسل به امام (عج) بمنظور رستگاری در دین و دنیا، مدد و یاری می‌طلبد:

بنده شو به درگه شه وانگاه	کوس پادشاهی و تمکین زن...
برگشای دست کرم وانگاه	بر من فسرده مسکین زن
	(دیوان بهار: ص ۳۶)
ای خرمن گل کن گذری جانب گلزار	چون من به تو بین بلبل شوریده به گل، زار
هان ای صنم خانگی ای شهرة بازار	بر دفع غم ساغر می باز آ باز آ
کاین درد مرا یاد دواپیست مجرب	

(مصیبت‌نامه، صغیر اصفهانی: ص ۱۲۴)

دلبرا دست امید من و دامان شما	سر ما و قدم سرو خرامان شما...
خاک راه تو و مژگان من، ار بگذارند	ناوک غمزه و یا خنجر مژگان شما...
	(دیوان کمپانی: ص ۲۰۰)

ای رحمت الهی دریاب مفتقر را
شاه‌ها به یک نگاهی بنواز این گدا را
(همان: ص ۲۰۳)

شاعر محبت و ارادت به امام (عج) را عامل رستگاری میدانند و از او طلب بخشش گناهان را دارد:
ای وصف ذات تو آیات کبریا
ظاهر ز شخص تو اعجاز انبیا
ایمان ولای توست ای حجت خدا
آن کو محبت توست در عرصه جزا
دارد جزا جنان یا صاحب‌الزمان

(مصیبت‌نامه، صغیر اصفهانی: ص ۱۳۵)
من سوخته تو و مفتقرم دیگر مستان به گناه مرا
(دیوان کمپانی: ص ۲۱۳)

شاعر در مددخواهی از امام (عج) به وی مقام الوهیت و ربوبیت میبخشد و با این نگاه غلوآمیز به مدح میپردازد. همچنین شاعر صفات خداوند از جمله دستگیری از تمام افتادگان و دارنده خدم و حشمی از فرشتگان را به امام زمان (عج) نسبت میدهد:

ای هر فتاده را لطف تو دستگیر
میر ملک خدم شاه فلک سریر
از پا فتاده است کلب درت صغیر
بر آستان توست ای شاه مستجیر
او را ز غم رهان یا صاحب‌الزمان

(مصیبت‌نامه، صغیر اصفهانی: ص ۱۳۵)
نجات دین: سخت‌گیریهای حکومت بر حوزه دین در این دوره بگونه‌ای است که شاعر احساس خطر میکند و با هدف یاری رساندن به دین خدا و نجات آن، به استغاثه برای ظهور امام عصر (عج) میپردازد:
ای رخت قبله توحید و درت کوی امید
تا به کی کعبه دلها همه بیت الوثن است...
ای که در ظلّ لوی تو کند گردون جای
نوبت رایت اسلام برافراشتن است
(دیوان کمپانی: ص ۱۹۸)

انتظار و انتقام: از آنجا که معصومین (ع) و شیعیان‌شان در دوران زندگی خود با مصیبت‌های فراوانی از سوی مخالفان روبرو بوده‌اند و همه معصومین نیز به شهادت رسیده‌اند و جامعه تشیع را در طول تاریخ عزادار کرده‌اند، امید به ظهور موعود، تسکینی است بر قلوب داغدار ایشان؛ بنابراین شاعر با استفاده از ذکر نسب امام (عج) برای تفاخر بیشتر به مدح او میپردازد و ظهور وی را برای انتقام از ظالمان بویژه قاتلان سیدالشهدا طلب میکند:

ای زاده حسن خلف سید انام
ای اولین ما خلق ای آخرین امام
بیرون خرام و تیغ دوسر برکش از نیام
ای منتقم ز پرده درآ بهر انتقام
زان فرقه عنید که کشتند تشنه کام
جدّ تو را به حکم یزید ستمگرا
(مصیبت‌نامه، صغیر اصفهانی: ص ۱۲۳)

ای ز شمشیر تو از بیم، دل دهر دو نیم
گاه خونخواهی شاهنشاه خونین کفن است
(دیوان کمپانی: ص ۱۹۹)

انتظار و مدح صفات معنوی: از آنجا که در دوره پهلوی اول شرایط تغییر و تحول در شعر دینی فراهم نبود، شاعران دینی، بر پایه آیات و روایاتی که در نزد شیعیان، مقام معنوی معصومین (ع) را از همه انبیا و اولیا الهی والاتر میدانند، به مدح مقام معنوی فوق بشری امام (عج) میپردازند:

تو ای شاه ملک چاکر که درباری درگاهت	برای حضرت جبریل عین افتخار آمد
	(مصیبت‌نامه، صغیر اصفهانی: ص ۱۳۱)
ای حریمت کعبه توحید را رکن یمان	آستان مستجار است و درت دارالامان
پیش کرسی جلالت عرش کمتر پایه‌ای	بیت معمور جمالت، قبله هفت آسمان
چرخ اعظم همچو گویی در خم چوگان تست	خرگهت را کهکشان آسمان یک ریسمان
	(دیوان کمپانی: ص ۲۰۴)

انتظار و اشتیاق: از رویکردهای مهم شعر انتظار در دوره پهلوی اول، رویکرد منفعلانه شوق دیدار است. شاعر بمنظور اشتیاق محبتان، به استغائه برای ظهور میپردازد و هدف از ظهور را رفع عطش مشتاقان میداند:

تو را به پشت حجاب چهره نهان تا به کی	به حق حق، خلق را ظنّ و گمان تا به کی
دوره ابلیس را طول زمان تا به کی	ملامت دشمنان به دوستان تا به کی
جسم محبتان تو ز جان تهی تا به کی	
تشنه لبی تا به چند بر لب آب حیات؟	

(مصیبت‌نامه، صغیر اصفهانی: ص ۱۲۹)

ای طاق ابروی تو مرا قبله نیاز	از یک اشاره‌ای که مشیر مشار نیست
غیر از طواف کوی تو ای کعبه مراد	هیچ آرزو در این دل امیدوار نیست
(دیوان کمپانی: ص ۲۰۸)	

قیاس با انبیای الهی: در شعر انتظار این دوره، شاعران به مضامین و محتوای تکراری قدما میپردازند و این مضامین معمولاً خنثی و منفعلانه است و امیدی به بیداری و ایجاد حرکت رو به جلو ایجاد نمیکند. چنانکه پیش از این نیز اشاره شد، بر پایه آیات و روایات، افضلیت معصومین بر انبیای الهی اثبات شده است، به همین منظور، شاعر بر پایه قیاس امام (عج) با انبیای الهی، به برتری وی بر انبیا میپردازد:

بکن ای شاهد ما جلوه‌ای از بزم وصال	چند چون شمع بسوزیم ز هجران شما
مسند مصر حقیقت ز تو تا چند تهی	ای دو صد یوسف صدیق به قربان شما
(دیوان کمپانی: ص ۲۰۰)	
عرش بلقیس نه شایسته فرش ره توست	آصف اندر صف اطفال دبستان شماست
نبود ملک سلیمان همه با آن عظمت	موری اندر نظر همت سلمان شماست
(همان: ص ۱۹۹)	

شعر انتظار در دوره پهلوی دوم

بعد از اینکه محمدرضا پهلوی زمامدار حکومت شد و قانون مشروطه را اجرا کرد، فضای رضاشاهی تا حد زیادی برطرف شد و شاعران دینی و هیئات مذهبی فرصت تازه‌ای یافتند. او برای به دست آوردن حمایت روحانیون و قشرهای مذهبی جامعه با دادن آزادیهای نسبی مذهبی، در پی جلب رضایت آنان برآمد. با ایجاد فضای تازه در جامعه و برپایی پرشور مجالس و اعیاد مذهبی، شاعران نیز با توجه به نیازهای جامعه، به سرودن اشعار امیدآفرین مهدویت روی آوردند و شعر انتظار را از نظر کمی و کیفی ارتقا بخشیدند. همچنین آشفتگی و نابسامانیهای سیاسی در ابتدای این دوره، شرایط را برای دخالت و سختگیری علیه دین و شعر دینی، تحت تأثیر قرار داد و به همین

دلیل، شعر و شاعران دینی رشد چشمگیری یافتند. از این رهیافت، شعر انتظار نیز بسمت تغییر و تحول گرایش نشان داد. هرچند بعد از کودتای ۲۸ مرداد، نشانه‌های میل به تحول در شعر دینی و بتبع آن شعر انتظار آشکار شد، اما گرایش جدی به تغییر، از سال ۱۳۴۲ ه.ش و همزمان با دستگیری امام خمینی (ره)، دعوت علما و روحانیون به قیام علیه ظلم، شروع قیامهای مردمی و آشکار شدن بارقه‌های انقلاب و نیز ظهور گفتمان مقاومت و مبارزه، نمایان شد. شاعران نیز با تأثیرپذیری از این فضا، گامهای محتاطانه‌ای بسمت تحول در شعر انتظار برداشتند. گرچه تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، نگاه غالب به شعر انتظار، نگاهی ستایشگرانه، توصیفی و روایی بود، اما با ایجاد این شرایط، بارقه‌های خروج از رکود و ایستایی و میل به فاصله گرفتن از اسلوب قدما، آشکار و همین سرآغاز تحولات در شعر انتظار بعد از انقلاب شد.

مهمترین رویکردهای شعر انتظار در این دوره

انتظار و مدح: مدح و ستایش در شعر انتظار این دوره از نگاه غلوآمیز دوره قبل فاصله میگیرد، موضعی منفعلانه دارد و عملاً برای مقدمات ظهور برنامه‌ای ندارد و به انتظار صرف، دلخوش است. در ابیات ذیل، شاعر به مدح امام (عج) میپردازد و موضع و جهتگیری خاصی ندارد:

آینه‌خانه دل، مرآت آن جهان است	آنجا به جلوه بینی آن حسن جلوه گر را...
نخل وجود آدم، تنها همین ثمر داشت	پیوند جاودانیست، آن نخل و این ثمر را...
دنیای پیر از آن است، در حیرت از ظهورش	کز هر چه داشت دارد، تنها همین پسر را
	(دیوان امیری فیروزکوهی: صص ۸۵۴-۸۵۵)

مدح با استفاده از قیاس با انبیای الهی: چنانکه پیش از این نیز گفته شد، براساس روایات مختلف، افضلیت و برتری ائمه بر انبیای الهی ثابت شده است، بر این اساس شاعر به ترسیم برتری امام زمان (عج) -که عصاره همه انبیاست- بر انبیای الهی میپردازد:

ید بیضای موسی کرد کوهی را اگر روشن	جهان را کرد سرتاسر منور این ید بیضا...
لب لعل روان بخشش چو آید در سخن روزی	پی بوسیدنش آید فرود از آسمان عیسی...
دم عیسی به یک دم ساختی گر مرده‌ای زنده	تو خود در هر نفس سازی هزاران مرده را احیا
	(دیوان رسا: ص ۹۳)

انتظار و اشتیاق: برخلاف دوره پهلوی اول که که شاعر اشتیاق خود را تنها برای دیدار امام (عج) ابراز میکرد، در این دوره اشتیاق ظهور امام (عج) را با اهدافی از جمله شوق دیدار، برپایی عدل، رفع ظلم و... ارائه میدهد که این مضامین برگرفته از روایات هستند. «يَمْلَأُ اللَّهُ بِهٖ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا» (بحارالانوار، ج ۵۱: ۱۵۶):

بیا ای خسرو خوبان حجاب از چهره ماهت	به یک سو نه تجلی کن چو خورشید جهان‌آرا...
تو با این خیل جانبازان چرا بگزیده‌ای خلوت	تو با این جمع مشتاقان، چرا بنشسته‌ای تنها...
ز حد بگذشت مهجوری، ز مشتاقان مکن دوری	رخ ماه ای نکومنظر میپوش از عاشق شیدا...
چه دلها خون شد از عشقت، چه تنها سوخت در هجرت	تفقد کن از این دلها، ترحم کن بر این تنها
	(همان: ص ۹۴)

کاش ظاهر گردد آن داور که در اظهار او	عمر ما در انتظار وعده داور گذشت
(دیوان امیری فیروزکوهی: ص ۸۹۶)	
از دوزخ فراق رخس جان و دل گداخت	کویش که هست غیرت باغ ارم کجاست
(دیوان خوشدل تهرانی: ص ۵۹۴)	
عمریست که ما در اشتیافت	سوزیم در آتش فراق...
یارب به حق رسول بطحا	یارب به حق علی و زهرا
یا رب به حق دو سبط اکرم	کان پنج تنند، اسم اعظم
چشم دل ما به خلوت راز	بر روی امام عصر کن باز
	(دیوان سنا: ص ۲۱۳)

انتظار و ارزشها: در اواخر این دوره، شاعر انتظار احساسی و بدون ذکر اهداف و ارزشها را نمیپسندد، به همین خاطر در برخی موارد از حالت رکود -که پرداختن به مدح صرف و شوق دیدار و توصیه به انتظار بود- خارج میشود و به درخواست قیام برای ظهور حضرت و ذکر ارزشها با نگاهی جهانی میپردازد. جهتگیری و موضعمندی هدفمند شاعر از استغاثه برای ظهور و برپایی عدل و از بین بردن کفر و ستم:

تا واژگون شود علم جهل و جور و کین	صاحب زمان صاحب تیغ و علم کجاست
تا داد و دین ببارد و کفر ستم برد	حامی عدل و ماحی کفر و ستم کجاست
	(دیوان خوشدل تهرانی: ص ۵۹۴)
وقت است که از کمینگه غیب	آید به ظهور شهبازی
تا چند بریم آرزویی	تا چند کشیم انتظاری
در وعده عدل او جهان راست	در ظلم، گذشته روزگاری
	(دیوان امیری فیروزکوهی: ص ۱۰۸۲)
گشته است جهان ز ظلم لبریز	ای داور دادگر ز جا خیز
	(دیوان سنا: ص ۲۱۴)

شاعر در ابیات زیر با حالتی دردمندانه و با نگاه جهانی، عالم را در انتظار ظهور موعود، بمنظور برپایی عدل و بهبود اوضاع تباه جهان و از بین بردن ظلم و بدی میداند و طلب ظهور میکند:

موصوف حق به اوصاف، مأمول قاف تا قاف	موعود عدل و انصاف، هم جن و هم بشر را...
در انتظار عدلش، عمر جهان سرآمد	یکدم به سر نرفته، ظلم جهان سپر را
ای رحمت الهی، ما را در این تباهی	زین بیشتر چه خواهی، آماده شو سفر را...
ظلم و فساد و عدوان، در خون ماست پنهان	از ما جدا مگردان، درمان نیشتر را
	(دیوان امیری فیروزکوهی: صص ۸۵۴-۸۵۶)

جامعیت امام (عج) و عصارة همه انبیا بودن، در راستای ارائه شخصیت جهانی او صورت گرفته است، به همین خاطر شاعر صفات و ویژگیهای برجسته انبیای الهی را به او نسبت میدهد و در پی همراه کردن سایر امتها به انتظاری واحد است:

تا زیب پیکرش زره داودی شود	مصنوع دست آن نبی محتشم کجاست
تا خاتم سلیمان گیرد ز اهرمن	فرخنده شهریار سلیمان حشم کجاست

دارد به دست چوب شبانی کلیم‌وار آن آخرین شبان پریشان غنم کجاست
(دیوان خوشدل تهرانی: ص ۵۹۴)

نجات دین: شرایط اجتماعی جامعه در دوره پهلوی دوم و عدم توجه به دین و معنویات در جامعه، نبود حمایت‌های حکومت از دین و سیاسی کردن دین بگونه‌ای است که شاعر، بنیان دین را در خطر میبیند و در همین راستا ظهور موعود را برای احیای دین اسلام طلب میکند:

خیز و ز رخساره برافکن نقاب ای خجل از سایه تو آفتاب
خیز که آیین تو از یاد رفت سنت اجداد تو بر باد رفت
دفتر اوراق تو تاراج شد کشور تو در گرو تاج شد
(دیوان ریاضی یزدی: ص ۲۹۳)

مدح صفات ظاهری: صفات جسمی و ظاهری معصومین همواره برای دورانه‌های بعد از خودشان، بویژه در میان شیعیان، به شیوه‌ای تابووار بوده است، به همین خاطر توصیف صفات جسمی آنان همواره با شیوه‌ای اسطوره‌ای بیان شده است:

تا از سیاهی شب دیجور وارهم یارب فروغ ناصیه صبحدم کجاست
تا دل اسیر طره طرار او شود آن تابدار سنبل پر پیچ و خم کجاست
(دیوان خوشدل تهرانی: ص ۵۹۳)

پرده برانداز که بی روی تو روز همه شد چو شب موی تو
(دیوان ریاضی یزدی: ص ۲۹۳)

به صولت تالی حیدر، به صورت شبه پیغمبر به سیرت مظهر داور، ولی والی والا
رخ او لاله رضوان، خط او سبزه رحمت لب او چشمه کوثر، قد او شاخه طوبی
(دیوان رسا: ص ۹۳)

از روی جمیل پرده بگشای بی‌پرده جمال خویش بنمای
(دیوان سنا: ص ۲۱۴)

ابراز ارادت و محبت: ابراز ارادت و محبت به شخصیت‌های دینی مقوله تکراری است که با توجه به جایگاه والای معنوی بزرگان دین، در همه دوره‌ها به آن پرداخته شده است:

با نکه‌تی ز گلشن فردوس ساخته آن کس که از تو ساخته با آرزوی تو
خالی است گر ز نور جمال تو چشم ما دلها پر است از تو و از گفتگوی تو
(دیوان امیری فیروزکوهی: ص ۱۰۴۸)

ما همه دلدادۀ روی توئیم خاکنشین سر کوی توئیم
(دیوان ریاضی یزدی: ص ۲۹۳)

خوش آن صبحی که از بستان، ندای مرغ حق چو بلبل در ثنای گل سراپم چامه‌ای شیوا
آید قدم بگذار بر چشمم اگر داری سر سودا
سر سودایی خود را به پیش پایت اندازم (دیوان رسا: ص ۹۵)

انتظار و توصیف دنیای پس از ظهور: انتظار ظهور منجی در همه مذاهب الهی بویژه تشیع بمنظور برپایی عدل و داد در سراسر زمین صورت میگیرد، به همین خاطر شاعر با نگاهی فرامکانی، حکومت موعود (عج) را حکومتی جهانی توصیف میکند و به ترسیم جهان پس از ظهور میپردازد:

شهنشاه قدر قدرت که فرمان همایونش	چو منشور قضا گردیده در کون و مکان اجرا
چو گیرد پرچم «انا فتحنا» در کف قدرت	لوای نصرت افرازد بر این نه گنبد خضرا
به ختم انبیا ماند چو خواند خطبه بر منبر	به شاه اولیا ماند چو تازد بر صف اعدا

(دیوان رسا: ص ۹۴)

شاعر به توصیف شرایط و ویژگیهای حکومت موعود (عج) میپردازد و ضعیفان را بشارت و ستمگران را انذار میدهد:

ضعیفان را کند یاری، پلیدان را دهد خواری	ستمگر را دهد کیفر، منافق را کند رسوا
---	--------------------------------------

(همان: ص ۹۵)

شعر انتظار در دوره انقلاب اسلامی

مسئله انتظار و ادبیات مهدویت در شعر شاعران انقلاب جنبه‌های گوناگونی به خود گرفت. پیرنگ شدن فرهنگ انتظار در شعر شاعران انقلاب اسلامی، بمنظور امید به آینده و نگاه و حرکت رو به جلو جوامع اسلامی و اعتلای آنها انجام گرفته است. «مذهب انتظار، عامل فکری و روحی حرکت‌بخش، تعهدآور و مسئولیت‌ساز و بالأخره فلسفه اعتراض به وضع موجود و نفی ارزشها و نظامهای حاکم در طول قرن است» (شریعتی، ۱۳۸۷: ۵۰). براساس همین آموزه‌ها شعر انتظار انقلاب به تحول می‌گراید و متعهد و مسئولیت‌پذیر میشود. باور به ظهور منجی رهایی‌بخش برای ساخت جامعه آرمانی در فرهنگ ایران و جهان، قدمتی دیرینه دارد. در ایران پیش از اسلام، باور به ظهور سوشیان و نجات‌دهنده، بخش عظیمی از فرهنگ دینی و آرمانی ایران را تحت‌تأثیر قرار داده بود؛ اما با ظهور اسلام و تلفیق سرشت ایرانیان با باورهای اسلامی، اعتقاد به ظهور حضرت مهدی (عج) جزئی از باورهای لاینفک فارسی‌زبانان شد. این اعتقاد در اشعار شاعران بازتابی گسترده برجای گذاشت و بویژه پس از انقلاب، این مفهوم و رویکرد آن، در ادبیات فراگیر شد. ایدئولوژیک کردن دین در دوران پس از انقلاب اسلامی نیز باعث گسترش شعر و شاعران دینی در موضوعات مختلف شعر دینی بویژه شعر انتظار شد.

مهمترین ویژگیها و محتوای شعر انتظار انقلاب

انتظار و روایات: تطبیق روایات مربوط به ظهور منجی آخرالزمان در بسیاری از دوره‌ها وجود داشته است و در هر دوره پیشامدی را که به احادیث آخرالزمانی شباهت داشت، از نشانه‌های ظهور منجی میدانستند، چنانکه شاعر انقلاب با استفاده از روایات و احادیث و تطبیق دادن آنان بر مسائل و شرایط روز جامعه اسلامی، به نشانه‌ها و علائم ظهور در حال وقوع اشاره میکند و با تأثیرپذیری از جریان شعر پایداری، با دادن روحیه به مسلمانان تحت ظلم و جهانیان بمنظور امیدآفرینی و نگاه به آینده، ظهور امام عصر (عج) را قریب‌الوقوع میخواند. شیخ حسین اهری بوشهری در رساله احیاء المله، مشروطیت را از علائم آخرالزمان و ظهور امام عصر ذکر کرده است. وی معتقد است روایاتی که براساس آن پیش از ظهور امام عصر عده‌ای در راه حق برمیخیزند، منطبق با قیام مردم ایران است؛ پس به این دلیل از مشروطیت دفاع میکند و نظر علامه مجلسی را مبنی بر منطبق بودن این روایات با دولت صفوی نادرست میداند. امام صادق (ع) میفرماید: «قائم، قیام نخواهد کرد، مگر بدنبال خوف و هراس جدی از زلزله‌ها، فتنه‌ها، بلایا و طاعونی که (مردم) به آن مبتلا شده باشند و شمشیر برآن (جنگ نمایان) میان اعراب و اختلاف

زیاد مردم و تفرقه مذهبی آنها و تعدد ادیان و مذاهب و تغییر و تحول آن» (الساده، ۱۳۸۵: ۲۲). در ابیات ذیل، شاعر با اشاره به جنگ یمن و ارتباط آن با احادیث مربوطه، به تحقق پیشگویی احادیث انتظار و قریب‌الوقوع بودن ظهور موعود می‌پردازد:

علامات ظهور کیست از سمت یمن پیدا؟ که میبینم به هر سو لاله خونین کفن پیدا
سواران کیند اینان خدایا پشت دروازه؟ اویسانند هر سو بر افقهای قرن پیدا...
شهادت‌نامه‌ام دارد ورق‌گردانی پنهان غبار ذوالجناح اوست از خاک یمن پیدا
(شمس‌الشرف، انصاری‌نژاد، ص ۱۸۷)

شاعر با اشاره به شرایط اجتماعی جامعه و منطبق بودن این شرایط با احادیث انتظار به تشریح اوضاع می‌پردازد: اکنون زمین ذخایر خود را برون فرستاده/ سفانیان تمام جهان را/ گرفته‌اند/ دانش/ همچون تباهی/ همچون ظلم/ به اوج خویش رسیده/ دانش/ همچون شرف/ همچون عقیده/ همچون فنون رایج خردورزی/ در معرض خرید و فروش است.» (دیدار صبح، صفارزاده: ص ۱۹۳).

گاه شاعر در اشاره به مسئله انتظار و موعود، تلمیح و اشاره‌ای به پیامبران و سایر ادیان دارد و از این طریق به جهانی بودن مسئله موعود می‌پردازد:

میبینم از این صخره پلنگان چه خموشند از کوه مگر نغمه داوود می‌آید؟...
گفتند مسیح آمده بر جاده نشسته سوگند به هفت آیه تلمود می‌آید
(شمس‌الشرف، انصاری‌نژاد: ص ۱۹۷)

در شعر انتظار انقلاب، بسیاری از اشعار مهدویت با هدف تبلیغ و ترویج اندیشه مهدویت سروده شده‌اند و نگاه امام (عج) بعد از ظهور به همه مردم در هر سرزمینی یکسان و از روی عدالت است:

جوانه زد دل آیین، شکفت شاخه دین بهار باور مردم، سپید، سرخ، سیاه
که آن سلاله خوبان معدلت‌گستر رسد به داد دل مردم عدالت‌خواه
(صحایف گل سرخ، محبت: ص ۱۱)

شاعر ظهور موعود را امری قطعی میداند و تنها نگرانش این است که شاید در زمان ظهور، از دنیا رفته باشد: «این روز آفتابی/ ای مثل چشمهای خدا آبی/ ای روز آمدن/ ای مثل روز، آمدنت روشن/ این روزها که میگردد هر روز/ در انتظار آمدنت هستم/ اما با من بگو/ که آیا من نیز/ در روزگار آمدنت هستم؟» (مجموعه کامل اشعار، امین‌پور: ص ۲۴).

تو ناگاهان می‌آیی مثل این ناگاه بی‌فرصت پذیرا باش از این دلتنگ شعری ارتجالی را
(صبح بنارس، قزوه: ص ۹۶)

استفاده از اسطوره‌ها و باورهای عامیانه که با فرهنگ مردم پیوند خورده نیز از شیوه‌های پرداختن به مسئله انتظار و موعود برای ارائه عمومیت انتظار در شعر این دوره است:

کجای بیستون دستی تکان دادی که از شوق هزاران کوهکن دارند سر بر تیشه میکوبند
بیا موعود من! دستی بکش بر گونه‌های باغ تمام سیبها بی تو شبیه پاره‌ای چوبند
(شمس‌الشرف، انصاری‌نژاد: ص ۱۸۹)

دوباره پلک دلم می‌پرد نشانه چیست؟ شنیده‌ام که می‌آید کسی به مهمانی
(مجموعه کامل اشعار، امین‌پور: ص ۳۰۴)

شاعر معتقد است هیچ چیز در روزگار غیبت به روال طبیعی نیست:

صبح بی تو رنگ بعداظهر یک آدینه دارد بی تو حتی مهربانی حالتی از کینه دارد...
بی تو میگویند تعطیل است کار عشقبازی عشق اما کی خبر از شنبه و آدینه دارد
(مجموعه کامل اشعار، امین پور: ص ۴۶)

«وقتی تو نیستی/ نه هستهای ما/ چونانکه بایدند/ نه بایدها.../ هر روز بی تو روز مباداست.»
(همان: ص ۲۵۲).

انتظار و انتقام: همه اهل بیت (ع) بر اثر ظلم و جور حکام ظالم به شهادت رسیده‌اند و این موضوع در طول تاریخ شیعیان را عزادار کرده است. اندیشه ظهور مهدویت در بین شیعیان مرهمی است بر آلام آنان، چراکه معتقدند امام (عج) بعد از ظهور، از دشمنان اهل بیت و تشیع انتقام خواهند گرفت:

گفتند به خونخواهی گلهای شهیدی با حنجره‌ای زخم و نمکسود می‌آید
(شمس الشرف، انصاری‌نژاد: ص ۱۹۷)

منتقم کجاست آنکه در رهش نشانده‌اند هر محله مردمان از اشک خود چراغها
(صحایف گل سرخ، محبت: ص ۳۵)

با تیغ آتشین میدرد آن وارث نور در انتهای شب گلوی نابکاران
آهنگ میدان تا کند او، باز ماند در گرد راهش مرکب چابکسواران
(همصدا با حلق اسماعیل، حسینی: ص ۲۸)

استغاثه برای ظهور و رفع ظلم و انتقام از ظالمان، بهبود اوضاع جهان و سر و سامان دادن به آشفته‌گیهای جهانیان و نیز عدالت‌گستری:

مشو پنهان به پشت ابرها، پاییز را بنگر و گله‌ها را که می‌میرند با دستی زمستانی
(شمس الشرف، انصاری‌نژاد: ص ۱۹۰)

چقدر امروز و فردا؟ کو ظهور موج گیسویت؟ زمستان است اینجا شاعران در قحط و آشوبند
تبر میبارد از هفت آسمان بر شانه جنگل درختان در تب پاییز پی در پی لگدکوبند
(همان: ص ۱۸۹)

شهید یوسفستان توأم زلفی پریشان کن بخشکان با گل لبخندهایت خشکسالی را
(صبح بنارس، قزوه: ص ۹۶)

شهبسوار ملک هستی داد را می‌گستراند در شعاع اسم اعظم بیکران در بیکران
(چهارده نور ازلی، مردانی: ص ۲۲)

انتظار و اخلاق: یکی از ارکان بسیار مهم دین اسلام، اخلاق است که احادیث و روایات بسیاری از بزرگان دین در این زمینه صادر شده است. امام علی (ع) می‌فرمایند: «مَنْ حَسُنَتْ خَلِيقَتُهُ طَابَتْ عِشْرَتُهُ» (نهج‌البلاغه، خطبه: ۱۸۴) و نیز خداوند در قرآن خطاب به پیامبر (ص) می‌فرماید: «وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم: ۴) و اینگونه بر اخلاق تأکید میکنند.

طلب ظهور برای به اوج رساندن اخلاق و گلایه از رفتار منفعلانه و منافقانه انسان معاصر:

ریا بر گرد دلها بسته پرچین به ژرف چشمها بیزاری و کین
نهال مردمی از بیخ چیده شرف در کنج غم عزلت گزیده

فروغ ایزدی خاموش مانده ز خوبی گفته‌ای در گوش مانده
 تو باز آ تا دگر جان باز آید خدا برگردد انسان باز آید
 (دستچین، گرمارودی: ص ۸۵)

انتظار و امید: در شعر انتظار انقلاب، شاعر به امیدآفرینی نسبت به آینده میپردازد و با نگاهی فرامکانی، امیدوار است که با ظهور موعود، عدالت فراگیر خواهد شد و حامی مظلومان و منکوبگر ظالمان، تمام عالم را نجات خواهد داد:

در گریبانش سحر ز آن سوی شبها خواهد آمد آن فروغ عدل، آن قدیس تنها خواهد آمد
 مهدی موعود ما آن قائم آل محمد پاسدار پرچم «فتحاً مبیناً» خواهد آمد
 خواهد آمد تا ستاند داد مظلومان عالم منجی پرده‌نشین از عرش اعلاء خواهد آمد
 آن فروکوبنده طغیان هستی‌سوز انسان رهبر پنهان ما بس آشکارا خواهد آمد
 (سخن آشنا، کاشانی: ص ۷۹)

«... و میرسی از کعبه/ و ذوالفقار را باز میکنی/ و ظلم را میبندی/ همیشه منتظرت هستم ای عدل وعده داده شده/ این کوچه/ این خیابان/ این تاریخ/ خطی از انتظار تو دارد/ و خسته است/ تو ناظری/ تو میدانی/ ظهور کن/ ظهور کن که منتظرت هستم/ ظهور کن که منتظرت هستم.» (در پیشواز صلح، صفارزاده: ص ۷۲).
 شاعر برخی اعتقادات حجتیه را که معتقدند باید فساد را گسترش دهند تا ظهور رخ دهد، نوعی برداشت نادرست از دین میداند: «و لال باد/ آنکه دهان به غیظ میگشاید/ و باغ را/ و چراغ را/ با دم هرز خویش/ مسموم میدارد/ اینسان که به تقدیس معصیت نشست/ و چشم از آفتاب بستی/ بدان که جولان شیطان/ به طلوع عشق نمی‌انجامد» (مجموعه کامل اشعار، هراتی: ص ۳۳).

شاعر انقلاب، برخلاف دوره‌های قبل، موضعی هدفمند دارد و یاری کردن امام (عج) را زمینه‌ساز ظهور میداند:
 خیز تا یاری کنیم اینک امام عصر خود را کز پس امروز، فجر صبح فردا خواهد آمد
 (سخن آشنا، کاشانی: ص ۷۹)

شاعر در دوری از موعود تا لحظه جان دادن هم برای خود آرامشی متصور نیست، چراکه آرامش را منحصر به ظهور منجی میداند.

کدامین شانه را سر میگذارم وقت جان دادن کدام آئینه پایانیست این آشفته‌حالی را
 (صبح بنارس، قزوه: ص ۹۶)

شاعر ظهور موعود را لنگرگاهی برای آرام گرفتن طوفانها و ناملایمات زندگی و التیام‌دهنده دردها و آسودگی خاطر و صلح و امنیت جهان میداند:

کنار نام تو لنگر گرفت کشتی عشق بیا که نام تو آرامشی است طوفانی
 (مجموعه کامل اشعار، امین‌پور: ص ۳۰۶)
 در هوای عاشقان پر میکشد با بیکراری آن کبوترچاهی زخمی که او در سینه دارد
 (همان: ص ۴۰۹)

شعر انتظار انقلاب به تبعیت از ایدئولوژی حاکم بر جامعه، شعری ارزشی و آرمانگراست و شاعر در پی امیدآفرینی به آینده است:

گرگ را با میش بینی در چراگاه زمین یوسف ما چون برآرد سر ز چاه لامکان
(چهارده نور ازلی، مردانی: ص ۲۳)

شاعر معتقد است روزگار پس از ظهور، روزگار دلخواه همه مومنان خواهد شد: «مگر قرار نیست او نقش رنجها را/ از آرنجمان پاک کند/ و در سایه استراحت/ آرامش را بین ما تقسیم کند؟» (مجموعه کامل اشعار، هراتی: ص ۱۱۸).

تحرک و انتظار: شاعر انقلاب ظهور موعود و تشکیل حکومت مهدوی را مدینه فاضله میداند و علاوه بر انتظار، خود نیز مشتاقانه بسوی او در حرکت است. «درست است که عدل جهانی مانند نیروی حیاتی است و جنبه ماورایی دارد، ولی تا موانع رفع نشود، حیات تجلی نمیکند. پس وظیفه مردم است مبارزه با موانع برای تسریع ظهور عدل مطلق. به عبارت دیگر تا مردم، کمالجو و عدل مطلق طلب نباشند آن هم طلبی صادق و توأم با تلاش، به آن هدف عالی ماورایی نمیرسند» (مطهری، ۱۳۸۵، ج ۹: ص ۳۸۱). شاعر این دوره معتقد است حرکت بسوی موعود است که انسان را از سرگستگی نجات میدهد و به مقصد میرساند. انتظار زمینه‌ساز، بر این نکته تأکید میکند که هرگز نباید بحث انتظار را جدای از کارکردهای اجتماعی جامعه منتظر در نظر گرفت و با دست روی دست گذاشتن، به تحقق ظهور و دستاوردهای آن چشم دوخت. شخص منتظر، در انتظار فعال و زمینه‌ساز، خود را در این فرایند دخیل و سهیم میداند و در برابر این نگرانی عظیم بشری، دغدغه دارد و با شناخت صحیح از اوضاع، به میزان استعداد و توان، به ایفای نقش میپردازد.

از این سرگستگی سمت تو پارو میزنم مولا از این گم‌بودگی سوی تو راهی می‌کنم پیدا
(صبح بنارس قزوه: ص ۲۰)

چمن آینه‌بندان میشود صبحی که بازآیی بهارا فرش راحت می‌کنم گل‌های قالی را
(همان: ص ۹۶)

شعر انتظار انقلاب، ظهور منجی را در گرو فراهم کردن مقدمات آن توسط منتظران میداند و با رفتار منفعلانه و انتظار صرف، میانه‌ای ندارد:

دل بسته‌اند بر تو و از خود بریده‌اند این مردمان کاهل دلبسته بر امید
(باغ سنگ، گرمارودی: ص ۶۶)

شاعر مبارزه با ظلم و ستم را زمینه‌ای برای ظهور میداند: «باید دستها را به قبضه شمشیر سپرد/ و حنجره بدی را فشرده/ آه ای پیشوای اقیانوسهای شورش/ شب‌نشینی دنیا به طول انجامید/ طوفان را رها کن/ و اسب آشوب را افسار بگسل.» (مجموعه کامل اشعار، هراتی: ص ۳۳).

شاعر انقلاب معتقد است آمادگی و تلاش برای تغییر و بهبود وضع موجود است که زمینه را برای ظهور موعود فراهم میکند: «باید مجهز و در حرکت باشیم/ که انتظار/ یعنی آماده باش/ آماده باید باشیم/ و اهل عمل/ باید رسیدهای نکوخواهی/ خوبی/ گره‌گشایی را/ برای نثار/ در پیشواز مقدم موعود/ در دست داشته باشیم.» (گزیده ادبیات معاصر، صفارزاده: ص ۲۰).

شاعر انقلاب معتقد است بدون خودسازی و فراهم کردن مقدمات، انتظار و اشتیاق صرف بیهوده است، به همین خاطر به قیام علیه ستمگران و اعتراض به وضع نابسامان موجود، تشویق میکند:

دلا تا باغ سنگی، در تو فروردین نخواهد شد به روز مرگ شعرت سوره یاسین نخواهد شد
مگر در جستجوی رتنای تازه‌ای باشیم و گرنه صد دعا زین دست، یک نفرین نخواهد شد

به مشتاقان آن شمشیرهای شعله‌ور در باد بگو تا انتظار این است اسبی زین نخواهد شد
(عشق علیه السلام، قزوه: ص ۳۸)

«تا غبار تاخت ستمگران دهر را/ در گذر آب شستشو دهد/ انتظار سهم ماست/ اعتراض نیز/ ما ظهور نور را به
انتظار/ با طلوع هر سپیده آه میکشیم/ ای دلیل جنبش زمین/ قسم به فجر/ تا تولد بهار عدل/ ظالمان دهر را به
دار میکشیم/ گوش را به نبض تند خاک می‌دهیم/ گام عادل‌ی بزرگ را/ منتظر، شماره می‌کند.» (مجموعه کامل
اشعار، هراتی: ص ۱۱۸).

شاعر انقلاب برای فراهم کردن مقدمات ظهور در تلاش و تکاپوست و آرام و قرار ندارد: «آه ای درختها! آه ای
درختهای بیقرار/ که با ابر و آفتاب قراری دارید/ در ازدحام شال سبز تماشا/ راهی است/ که ما، در آن شکسته،
خسته، به دشواری/ فرجام بیقرار جهان را دنبال میکنیم.» (از چشم اژدها، میرشکاک: ص ۱۳۴).

شاعر منفعل نیست، بلکه دست به اصلاح خود و جهان می‌زند و برای فراهم کردن شرایط ظهور تلاش می‌کند: «ما
ظهور عطر را ز غنچه تا به گل شدن/ انتظار میکشیم/ خاک تشنه است و ما از این کویر/ خندقی بسمت جویبار
میکشیم.» (مجموعه کامل اشعار، هراتی: ص ۱۹).

شاعر با اینکه براساس آموزه‌های دینی، خود را منتظر ظهور موعود میداند، اما منفعل نیست و به هر تلاشی دست
می‌زند: «همیشه منتظرت هستم/ بی آنکه در رکود نشستن باشم/ همیشه منتظرت هستم/ چونان که من/ همیشه
در راهم/ همیشه در حرکت هستم/ همیشه در مقابله» (در پیشواز صلح، صفارزاده: ص ۷۲).

شاعر ظهور موعود را حلال تمام مشکلات و برطرف‌کننده همه ابهامات و سرآغاز زیباییها و پایان پریشانیها میداند:
«با آفتاب رنگ و رورفته/ از روی این دریای سرب و دود/ هرگز بخاری برنخواهد خاست/ اما، سواد هر غباری/ در
چشم من دیگر/ معنای دیدار سواری نیست/ این چشمها/ از من دلیل تازه می‌خواهند.» (مجموعه کامل اشعار،
امین‌پور: ص ۳۵).

ناگهان قفل بزرگ تیرگی را می‌گشاید آن که در دستش کلید شهر پر آینه دارد
(همان: ص ۴۰۹)

میرسد بدون هیچ شک و شبهه میرسد میرسد زمان راحتی، پر از فراغها
کوچه‌های آرزو تمام سبز سبز سبز سبز خانه‌ها بهشتواره مثل کوچه باغها
(صحایف گل سرخ، محبت: ص ۳۵)

از آنجا که دعا از آموزه‌های مهم دینی است و علاوه بر قرآن، بزرگان دینی نیز به آن سفارش کرده‌اند، شاعران در
شعر خود برای تعجیل در فرج موعود به دعا نیز می‌پردازند:

خدا کند که بچینند دست خواهش ما ز شاخه‌های دعا میوه اجابت را...
خدا کند که ببیند منتظرشدگان ظهور کردن آن آیت سعادت را
(همان: ص ۱۴)

شاعر با دلی سوخته در نیمه شعبان و سحرگان جمعه، به خواندن دعای آل یاسین و ندبه، برای ظهور حضرتش
می‌پردازد:

هلا نیمه شعبان رسید و داغ دل نو شد دعای آل یاسین خوانده‌ام با شعر کوتاه
بیا که دست امید است و دامن تو عزیز بیا که منتظران توآند چشم به راه
(صبح بنارس، قزوه: ص ۱۹)

ندبه خوانیم تو را هر سحر آدینه تو کدام آینه‌ای صلی علی آینه
(همان: ص ۴۵)

نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های این پژوهش، شعر انتظار در قرن معاصر به سه دوره پهلوی اول، پهلوی دوم و انقلاب اسلامی تقسیم می‌شود. در هر دوره با توجه به نوع حکومتها و نحوه برخورد آنها با دین و شاعران دینی، شعر انتظار نیز ویژگیهای خاص خود را دارد. برخی ویژگیها مانند مدح و ستایش، اشتیاق دیدار و طلب ظهور در تمام دوره‌ها مشترک هستند؛ هرچندکه نوع نگاه به این ویژگیها نیز در دوره‌های مختلف قرن معاصر متفاوت است. در دوره پهلوی اول بعثت سختگیرهای حکومت در دین و مسائل دینی، و عدم تمایل شاعران دینی به پیروی از تغییر و تحولات شعر فارسی و همچنین برخورد تقدس‌مآبانه با موضوعات دینی و بویژه شعر انتظار، این شاخه از شعر دینی، نسبت به دوره‌های قبل هیچ تغییر و تحولی را پذیرا نشد. بخاطر همین شعر انتظار نیز مانند دیگر شاخه‌های شعر دینی در این دوره، با موضوعاتی محدود و تکراری از جمله اغراق و غلو در مدح و ستایش، اشتیاق دیدار، درخواست ظهور برای انتقام از قاتلان سیدالشهدا و دشمنان تشیع، ابراز ارادت و خاکساری و بطور کلی انتظار صرف و منفعلانه ارائه شود، بدون اینکه برای مقدمات ظهور جهتگیری و موضع هدفمندی داشته باشد. از این رو شعر انتظار این دوره، مشحون از مضامین و نگاههای یکسان دوره‌های قبل است و هیچگونه نوآوری در آن دیده نمی‌شود. در دوره پهلوی دوم بخاطر اجرای قانون مشروطه و آزادیهای نسبی دینی و ایجاد فضاهای آزاد، علاوه بر حفظ برخی موضوعات شعر انتظار در دوره پهلوی اول و گسترش شعر و شاعران دینی، در اواخر این دوره و بر پایه اتفاقات سیاسی و اجتماعی جامعه، قیامهای مردمی و نیز اندیشه‌های روشنفکرانی چون علی شریعتی و شهید مطهری و رواج ظلم‌ستیزی، شعر انتظار از حالت رکود خارج می‌شود و با پیوند زدن روایات و احادیث انتظار به مسائل روز جامعه، به امیدآفرینی و تشویق مردم به مبارزه با حاکمان ظالم می‌پردازد. در دوره پس از انقلاب اسلامی و با وجود ایدئولوژیک شدن دین در جامعه و همچنین تشویق شاعران دینی، شعر دینی از نظر کمیت و کیفیت رشد چشمگیری پیدا میکند. به همین خاطر این نوع شعر دینی در دوره انقلاب اسلامی برخلاف دوره‌های قبل، از انتظار صرف فاصله میگیرد و علاوه بر گسترش محدوده آن به سراسر هستی، انسان معاصر را به تحرک وامیدارد، وظایف او را برای دوران غیبت گوشزد میکند و نگاهی آرمانی و امیدوارکننده به آینده برای منتظران و ستمدیدگان عالم ارائه میدهد. بدین ترتیب شعر انتظار انقلاب، برای اولین بار در طول تاریخ، شعری هدفمند و بر پایه نیازهای روز جامعه و پیوند با مسائل ارزشی شکل میگیرد.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه لرستان استخراج شده است. آقای دکتر محمدرضا روزبه راهنمایی این رساله را برعهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. آقای مسعود سعادت بنوعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. سرکار خانم دکتر صفیه مرادخانی و آقای دکتر علی نوری به عنوان مشاوران نیز در تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی این پژوهش نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر چهار پژوهشگر بوده‌است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه لرستان که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Al-Sadeh, Mojtaba. (2006). Six Months of Finality, 4th edition, Tehran: Mououd Asr.
- Aminpour, Qaisar. (2009). complete collection of poems, Tehran: Morvarid.
- Amiri Firouzkoobi, Karim. (1990). Divan, second edition, Tehran: Sokhan.
- Ansari-Nejad, Mohammad-Hossein. (2020). Shams-al-Sharaf, Qom: Hajar.
- Bahar, Mohammad Taqi. (2008). Divan, Tehran: Agha.
- Gharavi Esfahani. (Kampani), Mohammad Hossein. (1959). Diwan Sana, Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya.
- Harati, Salman. (2001). complete collection of poems, Tehran: Daftar Shaer Javan Publications.
- Homaie, Jalaluddin. (1985). Divan Sana, Tehran: Homa.
- Hosseini, Hassan. (1984). Hamseda Ba Halq Esmail, Tehran: Publications of the Artistic Department of the Islamic Propaganda Organization.
- Kashani, Sepideh. (1994). Sokhan Ashna, Tehran: Publications of the Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Khoshdel Tehrani, Ali Akbar. (1991). Divan, Tehran: our publications.
- Majlesi, Mohammad Baqer. (2007). Behar al-Anwar, Volume 51, 4th edition, Tehran: Islamie.
- Mardani, Nasrullah. (2002). Chardeh Noor Azli, Tehran: Shahid.
- Mirshakkak, Yusuf Ali. (1989). from the eyes of the dragon, Tehran: Iqbal Lahori Cultural Center.
- Mohabbat, Mohammad Javad. (2005). Sahaif Gol Sorkh, Kermanshah: Sobh Roshan.
- Moein, Mohammad. (1990). Dictionary, 5th edition, Tehran: Amirkabir.
- Motahari, Morteza. (2006). Notes of Professor Motahari, Tehran: Sadra.
- Mousavi Esfahani, Mohammad Taqi. (2004). The ritual of waiting (summary of Makyal al-Makaram), Qom: Jamkaran book.
- Mousavi Garmarodi, Seyyed Ali. (2007). Bagh Seng, Tehran: Teka.
- Qazveh, Alireza. (2012). Sobh Benares, second edition, Tehran: Adab city.
- Qazveh, Alireza. (2002). Ishq alaihis salam, second edition, Tehran: Sureh Mehr.
- Rasa, Qasem. (1961). Divan, Tehran: Bahman.
- Riyazi Yazdi, Mohammad Ali. (1992). Divan, edited by Hossein Ahi, Tehran: Jumhoori.

- Safarzadeh, Tahereh. (2005). *Didar Sobh*, second edition, Tehran: Pars Kitab.
- Safarzadeh, Tahereh. (2007). *In the Pawn of Peace*, 2nd edition, Tehran: Art of Awakening.
- Safarzadeh, Tahereh. (2007). *selection of contemporary literature*, Tehran: Neyestan.
- Saghir Esfahani, Mohammad Hossein. (2011). *Phalahannameh*, 18th edition, Isfahan: Saghir.
- Shahryar, Mohammad Hossein. (2003). *Diwan Sana*, Tehran: Negah.
- Shariati, Ali. (2008). *The Expectation of Protest Religion*, Tehran: Niyashgaran Vahdat.

فهرست منابع فارسی

- امیری فیروز کوهی، کریم، (۱۳۶۹)، دیوان، چاپ دوم، تهران: سخن.
- امین پور، قیصر، (۱۳۸۸)، مجموعه کامل اشعار، تهران: مروارید.
- انصاری نژاد، محمدحسین، (۱۳۹۹)، شمس الشرف، قم: هاجر.
- بهار، محمدتقی، (۱۳۸۷)، دیوان، تهران: آگاه.
- حسینی، حسن، (۱۳۶۳)، همصدا با حلق اسماعیل، تهران: انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- خوشدل تهرانی، علی اکبر، (۱۳۷۰)، دیوان، تهران: نشریات ما.
- رسا، قاسم، (۱۳۴۰)، دیوان، تهران: بهمن.
- ریاضی یزدی، محمدعلی، (۱۳۷۱)، دیوان، تصحیح حسین آهی، تهران: جمهوری.
- الساده، مجتبی، (۱۳۸۵)، شش ماه پایانی، چاپ چهارم، تهران: موعود عصر.
- شریعتی، علی، (۱۳۸۷)، انتظار مذهب اعتراض، تهران: نیاشگران وحدت.
- شهریار، محمدحسین، (۱۳۸۲)، دیوان سنا، تهران: نگاه.
- صغیر اصفهانی، محمدحسین، (۱۳۹۰)، مصیبت نامه، چاپ هجدهم، اصفهان: صغیر.
- صفارزاده، طاهره، (۱۳۸۴)، دیدار صبح، چاپ دوم، تهران: پارس کتاب.
- صفارزاده، طاهره، (۱۳۸۶)، در پیشواز صلح، چاپ دوم، تهران: هنر بیداری.
- صفارزاده، طاهره، (۱۳۸۷)، گزیده ادبیات معاصر، تهران: نیستان.
- غروی اصفهانی (کمپانی)، محمدحسین، (۱۳۳۸)، دیوان سنا، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- قزوه، علیرضا، (۱۳۸۱)، عشق علیه السلام، چاپ دوم، تهران: سوره مهر.
- قزوه، علیرضا، (۱۳۹۱)، صبح بنارس، چاپ دوم، تهران: شهرستان ادب.
- کاشانی، سپیده، (۱۳۷۳)، سخن آشنا، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۳۸۶)، بحار الانوار، ج ۵۱، چاپ چهارم، تهران: اسلامیه.
- محبّت، محمدجواد، (۱۳۸۴)، صحایف گل سرخ، کرمانشاه: صبح روشن.
- مردانی، نصرالله، (۱۳۸۱)، چهارده نور ازلی، تهران: شاهد.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۸۵)، یادداشت های استاد مطهری، تهران: صدرا.

معین، محمد، (۱۳۶۹)، فرهنگ لغت، چاپ پنجم، تهران: امیرکبیر.
موسوی اصفهانی، محمدتقی، (۱۳۸۳)، آیین انتظار (خلاصه مکالمات)، قم: کتاب جمکران.
موسوی گرمارودی، سیدعلی، (۱۳۸۶)، باغ سنگ، تهران: نکا.
میرشکاک، یوسفعلی، (۱۳۶۸)، از چشم اژدها، تهران: مرکز فرهنگی هنری اقبال لاهوری.
هراتی، سلمان، (۱۳۸۰)، مجموعه کامل اشعار، تهران: انتشارات دفتر شعر جوان.
همایی، جلال‌الدین، (۱۳۶۴)، دیوان سنا، تهران: هما.

معرفی نویسندگان

مسعود سعادت‌تی: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.
(Email: masoodsaadati66@gmail.com)
محمد رضا روزبه: دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.
(Email: Roozbeh.m@lu.ac.ir : نویسنده مسئول)
صفیه مرادخانی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.
(Email: moradkhani.s@lu.ac.ir)
علی نوری: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.
(Email: noori.a@lu.ir)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Masood Saadati: Ph.D. student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Khoramabad, Iran.
(Email: masoodsaadati66@gmail.com)
Mohammad Reza Roozbeh: Associate Professor of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Khoramabad, Iran.
(Email: Roozbeh.m@lu.ac.ir : Responsible author)
Safie Moradkhani: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Khoramabad, Iran.
(Email: moradkhani.s@lu.ac.ir)
Ali Noori: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Khoramabad, Iran.
(Email: noori.a@lu.ir)